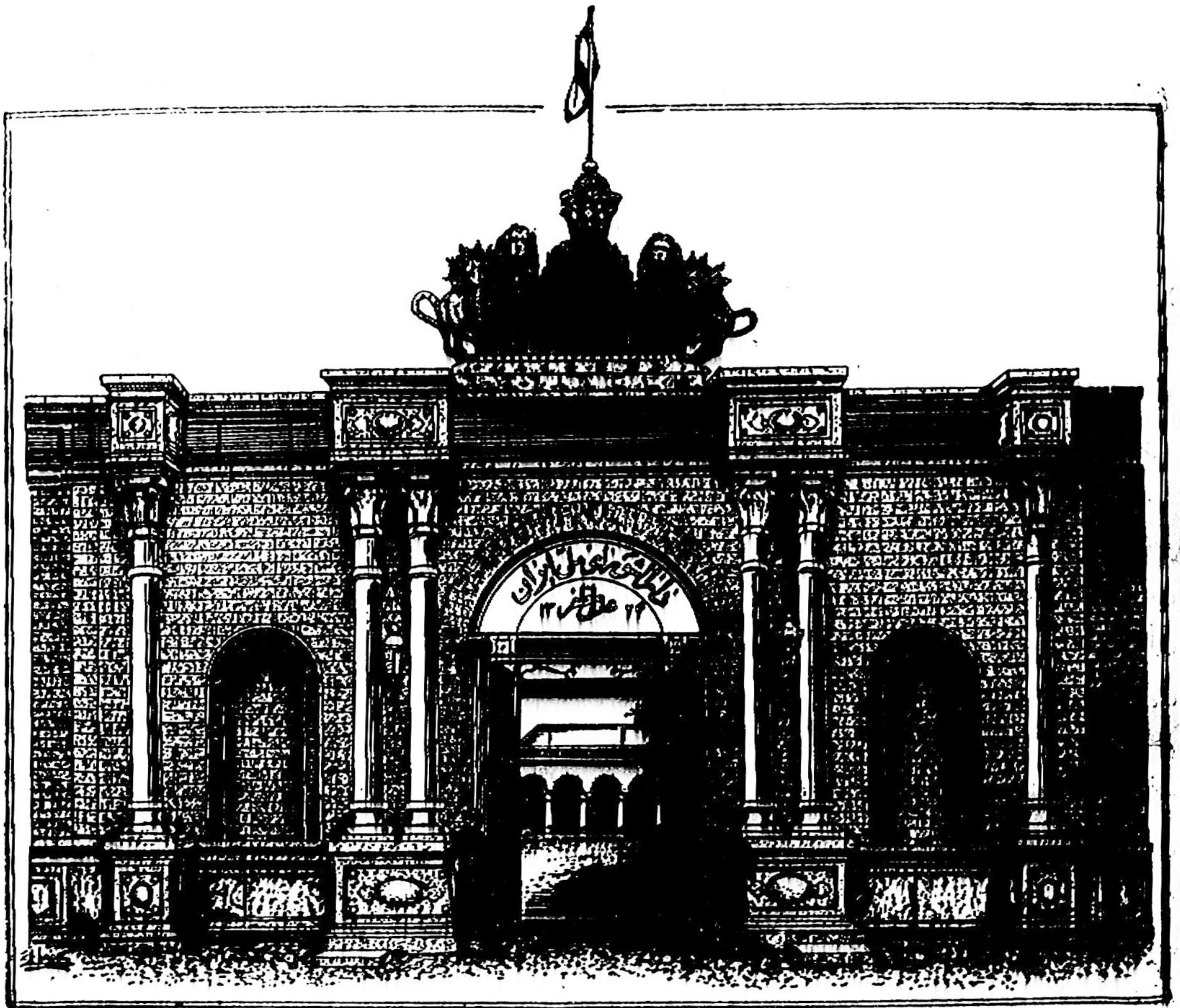


دوره ششم تقنینیه

جلسه ۱۹۷	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۱۶۲
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه اول بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق سلخ رجب المرجب ۱۳۴۶	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس	قيمة اشتراك داخله ايران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قيمة تك شماره يك قران

# فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱.	توضیح آقای رئیس کل صحنه راجع به اعتباری که برای دفع مرض وبا بدولت داده شده بود	۲۲۸۱	۲۲۸۲
۲	معرفی آقای میرزا عنایت الله خان سمیع‌بی بسمت معاونت وزارت معارف از طرف آقای وزیر معارف	۲۲۸۲	۲۲۸۲
۳	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع باستخدام متخصصین مالی	۲۲۸۲	۲۲۸۹
۴	بقیه شور اول نسبت بخر کمیسیون قوانین مالیه راجع به خالصجات انتقالی	۲۲۹۰	۲۲۹۸



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يكشنبه اول بهمن ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۸ رجب المرجب ۱۳۴۶

### جلسه ۱۹۷

( مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر  
بریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید )  
( صورت مجلس روز پنجشنبه ۲۸ دیماه  
را آقای نگهبان قرائت نمودند )

غائبین با اجازه جلسه قبل  
آقاییان : امیرحسین خان - ملک مدنی - دشتی -  
بهبهانی - بنی سلیمان - عدل - میرزا ابراهیم آشتیانی -  
میرزا حسن خان وثوق - سلطان محمدخان

غالبین بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان : حاج علی اکبر امین - اسدی - ذوالقدر -  
 امام جمعه شیراز - اعظمی - نظام مافی - آقا علی زارع -  
 آقا میرزا هاشم اشتیانی - حاج شیخ بیات - حاج حسن آقا ملک  
 حاج غلامحسین ملک  
 در آمدگان با اجازه جلسه قبل  
 آقایان : عراقی - امام جمعه امر - مقدم - مولوی  
 در آمدگان بی اجازه جلسه قبل  
 آقایان : سهراب خانب - قمی - شیروانی -  
 شریعت زاده - قوام شیرازی - عباس میرزا - جهانشاهی  
 تقی زاده

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - آقای آشتیانی را در صورت مجلس  
 غائب بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مریض  
 بوده اند کاغذی هم بمقام منبع ریاست نوشته اند  
 رئیس -- یاد داشت و تحقیق میشود آقای حق اویس  
 حق اویس - در صورت مجلس بنده را مخالف با ترتیب  
 نظامنامه نوشته اند بنده مخالف با تدوین نظامنامه نبوده  
 ام بلکه مخالفت من با این بود که مجلس شورای ملی نظام  
 نامه را لازم الاجرا ننماید و الا موافقم که دولت نظام  
 نامه ای برای اجرای قوانین میتواند بنویسد و اجرا هم بکند  
 مخالفت بنده راجع بلزوم اجرائش بود  
 رئیس -- در ذیل صورت مجلس قید میشود دیگر  
 اشکالی ندارد ؟

( گفتند - خبر )  
 رئیس -- صورت مجلس تصویب شد  
 رئیس کل صحبه - اجازه میفرمائید ؟ بنده عرض  
 مختصری دارم  
 رئیس -- بفرمائید  
 رئیس کل صحبه - در جلسه گذشته موقعی که  
 بنده جواب فرمایشات آقای اعتبار و آقای کازرونی را

میدادم از طرف آقای بروجردی فرمایید شد که موضوع  
 اود هزار تومان چه شد ؟ بنده قطع دادم که يك سره  
 تفاهمی برای ایشان ایجاد شده است و شاید قصد داشتند که  
 در این موضوع سئوالی از صحبه بکنند و بنده هم ناچار  
 باشم جواب عرض کنم لذا بنده استدعا کردم که فعلا  
 عریض بنده را استماع بفرمائید یعنی قبلا و مساعدتاً جواب  
 فرمایشات آقای بروجردی را عرض میکنم و قطع دارم که  
 برای ایشان سوء تفاهمی ایجاد شده است . موضوع ۹۰ هزار  
 تومان را که فرمودند این نود هزار تومان اعتباری است  
 که از طرف مجلس شورای ملی برای جلوگیری از مرض کلراداده شده  
 است . از روز اول طلوع کلرا کمیسیون بنام کمیسیون  
 دفاع در صحبه کل با دستور بنده تشکیل شد و آن  
 کمیسیون مرکب بود از ده دوازده نفر از اجلای علمای  
 طب ( که اسامی آنها را اگر حالا بخواهم عرض کنم  
 مدتی صرف وقت خواهد کرد ) به اضافه نماینده  
 وزارت امور خارجه و نماینده اداره گمرکات و رئیس  
 صحبه بلدییم که مجموعاً قریب ۱۵ نفر بودند . همه روزه  
 این کمیسیون تشکیل بود حتی روزهای جمعه و روزهای  
 قتل و اربعین و تمام مدت تابستان و در روز چندین  
 ساعت از صبح تا ظهر و شب مشغول کار بودند و کلیه  
 تلگرافاتی که مربوط به کلرا بود باین کمیسیون مراجعه  
 میشد . کلیه پوهائی را که بمصرف کلرا میرسید اینها  
 تصدیق می کردند و از طرف کمیسیون بوزارت مالیه  
 پیشنهاد می شد و از طرف وزارت مالیه حواله می شد  
 بنقاط مختلفه و کلیه اسناد خرجی را که از برای این  
 کار میباشد به طهران بر گردد بر حسب دستور  
 خود بنده ( که مبدا يك روزی کمترین آنکه ای بدمان  
 کارکنان صحبه بنشینند ) تمام اسناد خرج رجوع مصروفه  
 باید مصدق با مضای رؤسای مالیه بوده و با نظارت و اطلاع  
 حاکم محل و کلیه اعظم هر شهری خرج بشود چنانچه  
 عرض میکنم يك دینار از این پول به صحبه کل ملکنتی  
 نیامد و يك دینار از صحبه خارج نشد تمام این پول  
 در مالیه تمرکز داشت ما پیشنهاد می کردیم و وزارت مالیه

بمحل حواله میکردند و اسناد خرج را هم بان  
 ترتیبی که عرض کردم می گرفتند . يك مقداری از اسناد  
 خرج آنها بهمین ترتیب رسیده است و بقیه هم خواهد  
 رسید و بنده انتظار داشتم که از طرف آقای بروجردی  
 البته تشویقی از کارکنان صحبه میشد و امیدوارم  
 که این سوء تفاهم هم مرتفع شود و چیزی در خاطر عالی  
 مستور و مخفی نماند . بالاخره این پوها باین ترتیب مصرف  
 شده است و حتی آن روزیکه اختیارات رئیس کل مالیه  
 تمام شده بود و از این پول ممکن نبود در خواستی صادر  
 کنیم ده هزار تومان باعتبار و باسم شخص بنده از بانک  
 پهلوی قرض شد و حواله داده شد باز هم بنده آن اعتبار  
 را قبول نکردم و بخزانه دادم و وزارت مالیه بهمین ترتیب  
 خرج کرد و اسنادش را هم جمع آوری کرد . بنده ناچارم  
 قبلا این عریض را رسماً در اینجا عرض کنم تا نمایندگان  
 محترم ملت بدانند که صحبه و کارکنان صحبه خدمتگذار  
 بمملکت هستند

بروجردی - اجازه میفرمائید ؟ بنده سئوال را نوشتم  
 و بابشان دادم  
 رئیس -- اطلاق قبل از دستور که خانم بافت اگر سئوالی  
 دارید بعد بفرمائید  
 بروجردی - اینهم قبل از دستور است  
 رئیس -- فقط طریقی که دارید طریقی سئوال است  
 طریقی دیگری ندارید  
 وزیر معارف - آقای میرزا عنایت الله خان سمعی  
 را معاونت وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 معرفی میکنم  
 رئیس -- ماده ۱۴ از لایحه متخصیصین مالی  
 مطرح است .  
 ( این قسم قرائت شد )  
 ماده ۱۴ - پس از ورود خزانه دار کل و اشتغال  
 بخدمت مواد ۶ تا ۱۳ این قانون بموقع اجرا گذاشته

شده و قانون خزانه داری کل مورخه ۵ حوت ۱۳۰۱  
 مانعی خواهد بود  
 رئیس - آقای تقی زاده  
 تقی زاده - عرضی ندارم  
 رئیس - آقای کازرونی  
 کازرونی - عرضی ندارم  
 رئیس -- آقای شریعت زاده  
 شریعت زاده - عرضی ندارم  
 رئیس -- آقای فیروز آبادی  
 فیروز آبادی - عرضی ندارم  
 رئیس -- آقای بامداد  
 بامداد - عرضی ندارم  
 رئیس -- آقای آقا سید یعقوب  
 آقا سید یعقوب - بنده با این ماده مخالفم و مخالفت  
 بنده هم از این نقطه نظر است که چون ماده ۱۳  
 پیشنهاد شد حذف شود یعنی حذف آن از طرف بعضی از آقایان  
 نمایندگان پیشنهاد شد و رفت بکمیسیون حالا اگر مجلس  
 رأی بدهد ماده ۱۴ که میگوید : پس از ورود خزانه دار کل  
 و اشتغال بخدمت مواد ۶ تا ۱۳ این قانون بموقع اجرا  
 گذاشته خواهد شد این ماده بالاخره مربوط میشود ماده ۱۳  
 و تکلیف ماده هم هنوز معلوم نشده است بنا بر این فعلا  
 نمیشود باین رأی داد و بهتر این است بماند تا تکلیف ماده ۱۳  
 از طرف کمیسیون و مجلس معین شود و عجلاله بنویسیم ماده ۶  
 تا ماده ۱۲ که آن ماده ۱۳ از کمیسیون برگردد .  
 رئیس -- آقای حاج آقا رضا رفیع  
 حاج آقا رضا رفیع - بنده گمان نمیکنم اشکالی داشته  
 باشد شما ممکن است این قسمت را پیشنهاد بفرمائید تا  
 بعد تکلیف ماده سیزدهم معلوم شود مخبر هم قبول میکنند  
 آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم  
 ( اینطور قرائت شد )

پیشنهاد میکنم تا ماده ۱۲ نوشته شود  
مخبر - بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم  
رئیس - رأی گرفته میشود ماده ۱۴ با این اصلاح  
آقایان موافقین قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده ۱۵:

این قسم قرائت شد

ماده ۱۵ - برطبق قانون مورخه ۲۳ عقرب ۱۳۰۱  
شرایط دیگر کنترات مزبور را دولت تعیین خواهد نمود  
رئیس - مخالفی ندارد؟

یاسائی - بنده مخالفم.

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ در این ماده يك  
اشباهی شده است کجا میکنم اینطور باید باشد؟ شرایط  
دیگر کنترات متخصصین مزبور را در این نسخه که  
بنده دارم لفظ متخصص افتاده است و باید متخصصین  
یا متخصصین اضافه شود

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - اعتراضی که آقای آقا سید یعقوب  
در ماده ۱۴ فرمودند در این ماده هم وارد است  
از نقطه نظر اینکه شاید ماده ۱۵ هم يك ماده دیگری  
بشود یا در کمیسیون آن موادی که برای اصلاح ارجاع  
شده طرز ماده بندی قانون را بهم بزند بهتر این است  
مذاکره در این قانون را بهمین جا ختم کنیم تا  
اگر بعد از ماده ۱۵ يك ماده دیگری را اضافه کنند  
ترتیب ماده بندی بهم نخورد و این آخرین ماده یا  
ماده ما قبل آخر باشد

رئیس - لفظ مستخدمین بعد از کنترات اضافه می

شود آقای بیات

مرضی قلی خان بیات - گمان میکنم اشکالی را که  
آقای یاسائی فرمودند وارد نباشد زیرا این يك ماده معینی است  
و يك شرایطی بموجب قانون ۲۳ عقرب باید برای این

بنده باشد ما نمیتوانیم از وجود او استفاده کنیم (عده  
از نمایندگان صحیح است) بنده يك مدت متناهی ب  
متخصص مالی امریکائی کار کرده و تصور میکنم که علل  
و موجبات عدم موفقیت کامل آنها در کار برای  
این بود که يك عده بودند که مدتهای متناهی در وزارت  
مالیه مستخدم بودند و این اشخاص مانع پیشرفت کار  
های آنها بودند در این لایحه که از طرف دولت آمده  
است برای تفریح محاسبه اشخاصی که فعلا متصدی هستند در  
ماده ۱۲ يك پیش بینی شده است ولی برای آنهائی که از بیست  
سال قبل باینطرف متصدی کار های مهم مالی بوده اند و تا  
بحال هم حساب پس نداده اند هیچ فکری نشده و عده  
آنها هم تصور نمیکم از بیست و سی نفر تجاوز نکنند.  
مجلس شورای ملی و دولت البته علاقه مند است به  
این که او خود اشخاصی که مبالغی به آنها پول  
می دهد کاملا استفاده شود و به نفع مملکت تمام شود  
و این اشخاص هم از دو شوق خارج نیستند یا حقیقه صالح  
اند یا طالح اند اگر صالحند بهترین است که در اطراف آنها بوسیله  
رسیدگی بمحاسبات دوره تصدی شان هیچ صحبت هائی  
نشود و بمحاسبان رسیدگی شود و مقاصد حساب بدهند بهشان  
و کاملا مدلل شود که این اشخاص يك مردمان شرافت  
مندی بوده اند اگر هم طالح هستند تصدیق بفرمائید با يك  
ابادی آلوده بغرض مانعی نوانیم شروع بیک اصلاحاتی بکنیم بناء  
علیه بنده این پیشنهاد را کرده ام و هرگونه تخصصی هم  
که دولت استخدام کند تا اصلاح در خود داخله اداره  
شروع نشود کار نمی تواند بکند. امریکائی ها يك فورمولی  
داشتند که کارها را رجوع میکردند بیک کمیسیون و افراد  
آن کمیسیون جمع میشدند دو ماه سه ماه و چهار ماه راجع  
بیک موضوعی رسیدگی میکردند بعد نارنجچه آن را می  
نوشتند بعد زرش مینوشتند رأی رأی مبارک است این کاغذ  
نزه يك ماه با دو ماه باید برود ترجمه شود بعد نازم میرفت

پیش رئیس کل مالیه و او میدید کمیسیون که دو سه  
ماه مدتهای مدید کار کرده و وقت و پول مملکت را  
تلف کرده بود اظهار عقیده نمیکرد اینها بهم دیگر نان  
قرض میدادند و در يك مسائل خیلی فوری هم که اظهار  
عقیده میکردند کله تعلیق را مینوشتند زرش و این  
تعلیق از آن کلماتی است که در دوره تصدی مستخدمین  
آمریکائی در ایران وضع شد يك اشخاصی که پارت  
نداشتند دست نداشتند و نمیتوانستند بیک وسائلی اعمال  
غرض برای نفع خودشان بکنند فوراً در مورد آنها حکمیت  
میشد و رأی داده میشد بنده عقیده ام این است که  
آقای وزیر مالیه هم موافقت بفرمایند آقای مخبر محترم  
کمیسیون هم این پیشنهاد را قبول بکنند بالاخره نظر بنده  
این است که وقتی که متخصصین مالی آلمان وارد شدند بحساب  
آن اشخاصی که تا حال متصدی بوده اند و بمحاسبان  
رسیدگی نشده است رسیدگی شود و علاوه بر این اشخاص  
منتظر خدمت مالیه حقیقه در کوچه جلوی هر کس را  
بگیرید منتظر خدمت وزارت مالیه است و آنقدر اعضا  
و افراد دارد که کارهای وزارت مالیه معوق نخواهد ماند  
بعد از آنکه بحساب آنها رسیدگی کردند مقاصد حساب  
بآنها بدهند آنها هم که حساب نتوانستند بدهند و مدلل  
شد که در گذشته کار هائی کرده اند بانها البته نباید کار  
داد و مادام که این عده از اشخاص است تکف کردند از دادن  
حساب زمان تصدی خودشان این اشخاص از حقوق قانون  
استخدام بکلی محروم باشند و نتوانند استفاده کنند این  
شهادت بنده بود

وزیر مالیه - اصل موضوع که نماینده محترم پیشنهاد  
فرمودند خیلی صحیح است و البته در خاطر دارند که  
لص صریح یکی از مواد قانون استخدام هم همین قید را  
دارد متأسفانه این ماده قانون استخدام آن اندازه ای  
که میبایست رعایت شده باشد نشده است ولی تا یکید در  
اجرای این ماده مستلزم این نیست که ما عین مفهوم او  
را برداریم و در يك قانون دیگری که برای کار

دیگری است و تناسب کاملی با این موضوع ندارد نقل و انتقالش بدهیم اخیراً این را بنده يك تذکری بر رؤسای ادارات و دوائر مربوطه وزارت مالیه دادم و يك ضرب الاجل کرده ام که تا يك موعدی که حالا خاطر من نیست ( کمان میکنم تا آخر سیصد و شش است ) اجرای کامل این ماده را انجام بدهند و متعهدشان کرده ام که اگر تا آخر سیصد و شش و اول سیصد و هفت اشخاصیکه متصدی جمع بوده اند و ابواب جمع داشته اند اینها اسناد خودشان را در وزارت مالیه ارائه ندهند و مفاصا نگیرند بآنها کار رجوع نشود و رؤسای ادارات را بنده مسئولان کردم که اینها را صورت بدهند و خودشان منتظر خدمتشان بکنند قبل از این که از طرف وزارت مالیه تعقیب بشوند. باید ازین قبیل اقدامات برای اجرای ماده ای که در قانون استخدام کدوری هست بشود ولی اینجا برای اجرای آن ماده مورد ندارد چیزی اضافه کنیم بنده هم خیلی متشکر میشدم اگر نماینده محترم خودشان با این نظر موافقت میفرمودند و تأیید میفرمودند که با وسائل دیگری این مقصود را انجام بدهیم

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این ماده الحاقیه آقایان که قابل توجه میدانند قیام بفرمایند ( قریب بنصف نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقا سید یعقوب و خطیبی

ماده الحاقیه را پیشنهاد میکنم : ماده الحاقیه - مستخدمین مذکور در ماده اول این قانون مسؤل وزیر مالیه بوده و باید در ایفای وظایف خود کلیه تعلیمات قانونی مشارالیه را اطاعت نمایند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - کمان میکنم آقایان کاملاد در اینکه روز بروز ما باید در استقلال وزارتخانهها سعی کنیم و در

بود که خزانه دار که البته در تحت ریاست مستقیم و هدایت وزیر مالیه هست و تعلیمات قانونی وزیر مالیه را هم باید اطاعت بکنند ولی بعداً متذکر شدیم که این عبارت در قانون سابق ( چهارم اسد ) راجع بدکتر میلسپو عین فرمول هست درین قانون هم در ماده پنج در قسمت متخصص مالی و اقتصادی هم يك فرمولی بهمین ترتیب گذاشته شده است و البته تکرار این مسئله هم لازمست و خوبست برای اینکه ابودانش ممکن است تولید يك اشتباهات و يك مبهمی بکند حالا اصل عبارت را این شکل میخواهند با آقای مخبر میخواهند ارجاع شود بکمسیون تطبیق نمایند عبارت را عوض کنند و فرمولی دیگر بنویسند آن بسته است بنظر خود آقایان

مخبر - از يك طرف موضوع مسؤلیت وزیر در مقابل مجلس شورای ملی امر بدیهی است ما يك مستخدمی را نمیتوانیم مستقیماً مسؤل قرار بدهیم از طرفی هم شاید این عبارت يك معایبی داشته باشد یا وافی نباشد بمنظور اساسی دولت و مجلس و چون اختلاف نظری هم هست بین رفقای کمیسیون بودجه بنده نمیتوانم قبول کنم ولی تقاضا میکنم این ماده هم بکمسیون بیاید در کمیسیون بودجه يك تبادل نظری کنیم يك فرمولی مرضی تمام اعضاء کمیسیون تهیه نمائیم

رئیس - مراجعه میشود بکمسیون ماده الحاقیه دیگر

( شرح آنی قرائت شد )

ماده الحاقیه آقای محمد ولی میرزا

ماده الحاقیه - رئیس اداره تفتیش برای نظارت در مصارف که از وجود عمومی انجام میگردد با مراعات شرایطی که در ماده ۸ و ماده ۱۱ اختیار خزانه دار کل مقرر شده حق هر گونه رسیدگی و تحقیق را برای اجرای نظارت خواهد داشت به علاوه عموم محاسبین و صاحبان جمع مکلف هستند در هر مورد دفاتر و اوراق لازمه را برای تفتیش تحت مطالعه رئیس تفتیش

با نماینده ای که معین میدارد بگذارند ( محدودی ) رئیس - آقای محمد ولی میرزا

محمد ولی میرزا - درین قانونی که در مجلس دارد میگذرد و مباحثاتی که شده است البته نظر آقایان هست که در ماده اول در یکی از فقراتش ( فقره چهارم ) ذکر شده است برای ریاست اداره تفتیش از المان و در واقع يك نفر هم برای این اداره استخدام میشود ولی دیگر هیچ وجه درین قانون ماده ای که در آن تصریح میکنند قانوناً که این شخصی که مستخدم میشود و ریاست اداره تفتیش را خواهد داشت وظایف این آدم چیست در صورتی که بنظر بنده اداره تفتیش و رئیس تفتیش اگر بنام معنی این کلمه که این کلمه باید دارا باشد دارای يك اختیارات قانونی باشد بزرگترین نتیجه ای که میشود ازین رشته مستخدمین گرفته شود از همان رئیس تفتیش و اداره تفتیش خواهد بود درین جا فقط تذکری داده شده است که رئیس تفتیش خواهد آمد حالا این رئیس تفتیش که خواهد آمد این جور معلوم میشود که اوفق محکوم خواهد بود بمقررات وزارتی و وزارت مالیه يك نظامات و يك تعلیمات و دستورات کتبی که برای تعیین تکالیف اعضاء خودش ترتیب خواهد داد او هم جزء آنها خواهد بود در صورتی که بنده معتقدم که با اداره تفتیش و بوظایف ریاست تفتیش باید بیش از این اهمیت داد و رئیس تفتیش و اداره تفتیش را نباید منحصرأ فقط تابع مقررات وزارتی کرد و محتاج باین بود بعقیده بنده که در این قانون يك اشاره و تذکری راجع بوظایف حتمیه ای که رئیس تفتیش مامعتقدم که باید داشته باشد در اینجا بشود حق بنده عقیده ام این بود که رئیس تفتیش مشاغلی که از او انتظار میرود تماس بیشتری با این متخصص عالی مقام باید داشته باشد چون اگر يك سلسله چیز های خوبی وضع شد و پیشنهاد شد و از مجلس تصویب شد باید در تعقیب آن ببینند که اینها در اجرا و در عمل چه صورتی بخود میگیرند و اجرا میشوند یا نمیشوند کاملاً

مجری میشوند، قسمتی از آنها اجرا میشود اینست که بنده لازم دانستم چون در خود قانون مسئله گنک است و اشاره نشده است بطور ماده الحاقیه اینجا متذکر شوم. ضمناً هم البته باید صاحبان جمع و محاسبین وزارتخانهها کاملاً خودشان را تابع دستورات و تقاضاهائی بدانند که رئیس تفتیش از آنها از نقطه نظر کسب اطلاع خواهد کرد و قانوناً خودشان را ملزم بدانند. درین جا در ماده یازده باز هملا يك اشاره ای شده است که «محاسبه جمع و خرج عوائد مملکتی اعم از نقدی یا جنسی در خزانه داری کل نگاهداری شده و تمرکز مییابد و همیشه برای ملاحظه مفتشین که مأمور رسیدگی آن میشوند حاضر خواهد بود» این هم بمقیده بنده خیلی ناقص است اگر گفته شود که وظایف مفتش و مفتشین را در بنامه تصریح کرده ایم بنده هیچ تصدیق نمیکنم که این ماده تصریحی داشته باشد که وظایف يك چنین اداره تفتیشی که رئیس آنرا یک نفر آدم از خارج استخدام میکنیم بهمین اشاره ای که درین جا شده است در جزء اختیارات خزاندار کافی باشد، خیر باید یک قدری بیشتر بش قدرت و قوت قانونی داده شود.

وزیر مالیه - در ضمن مذاکرات در کلیات این قانون این مسئله یکی دو مرتبه اشاره شده و يك نظر بانی هم بعرض رسیده، این مسلم است که وقتی يك مفتشین در يك اداره هست و بموجب قانون يك متخصص هم برای ریاست آن اداره استخدام میشود برای اینست که ابفای بوظایف تفتیش بکند خود تفتیش و ایجاد تفتیش يك معانی خاص عملی در تمام نقاط دارد ولی علت اینست که توضیح این مسائل در این قانون بموجب يك موادی مناسب نیست این است که اگر بخواهیم بگوئیم تمام وظایف تفتیش و اداره تفتیش و مفتشین را بموجب يك ماده یا دو ماده معین میکنیم البته این ناقص خواهد بود و اگر يك قسمتش را ذکر بکنیم و قسمتهای دیگر را ذکر نکنیم این هم کافی نیست و بالاخره ما اگر متخصص میاوریم برای

چه میاوریم؟ برای اینکه ما معتقدیم يك چیز هائی را از نقطه نظر طرز جریان اداری که خودمان درست نمیدانیم از آنها مشورت بکنیم یاد بگیریم، آنها را میاوریم برای اینکه نظامنامه بنویسند، برای رسیدن باین مقصود است، اگر خودمان میدانیم که چرا اینها را می آوریم؟ همان نظامنامهها را ممکن است بیاوریم قانون کنیم یا خودمان نظامنامه بنویسیم پس بایستی يك اداره را که قائل شدیم برای تفتیش، و يك مستخدمی هم مخصوص این کار آورده و راجع بنوشتن نظامنامهها و طرز اجرای نظامنامهها با مشورت متخصص معین شده است بالاخره باید از نقطه نظر اجرای آن وظایف قانونی که برای تفتیش لازمست و همه با آن موافق هستند بهمین که نوشته شد اکتفا کرد و الا البته با آن مقصودی که نماینده محترم دارند کسی مخالفت ندارد، هیچ کس مخالف نیست تفتیش باید این کار را بکند ولی اصل منظور اینست که آیا باید این را اینجا گذاشت یا باید گذاشت این را برای قوانین دیگر، برای نظامات دیگر و با اطلاع و مشورت آن متخصصینی که میآیند باید نوشت و جامعتر کرد و با اطراف کرد؟ حالا هم يك اداره تفتیش ما داریم سابق امریکائیها که اینجا بودند يك دستورانی نوشته اند و يك اختیاراتیکه خیلی بیشتر از اینست که آقایان در نظر گرفته اند با آنها داده اند ولی آیا اینها صحیح است یا نیست اینها را باید گذاشت و یا نظر آن متخصص مشورت کرد

رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم که بطور عموم نماینده محترم پیشنهاد میکنند که در هر جائیکه از عوائد عمومی تشکیل مییابد آنجا را مفتش بیاید تفتیش کند یکی از جاهائیکه از عوائد عمومی تشکیل مییابد مجلس شورای ملی است و ما اجازه نمیدهیم کسی دیگر بیاید در مجلس شورای ملی تفتیش کند و بالاخره این پیشنهادیکه ایشان کرده اند خیلی مطالعه لازم دارد باید

با فکر این مسئله را پیشنهاد کرد و خواهش میکنم این را خودشان مسترد بدارند در این زمینه اصلاحاتی خواهد شد و در جلسه بعد خواهید ملاحظه فرمود که نظر خودشان هم در آنجا جلب شده است و پیشنهادی شود بمجلس

رئیس - آقایانیکه این ماده الحاقیه را قابل توجهی دانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد، ماده دیگر

ماده الحاقیه آقای بهمان

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - هرگاه موقعی دولت بخواید کتورات متخصصین فوق را القا نماید باید قبلاً دلایل خود را بمجلس اظهار نموده جلب موافقت مجلس را بنماید

رئیس - بفرمائید

بهمانی - این ماده الحاقیه در کمیسیون بودجه هم پیشنهاد شد از طرف یکی از نمایندگان و با اینکه اغلب آقایان اعضاء کمیسیون موافق بودند با این قسمت ولی بواسطه توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند آن نماینده محترم پیشنهاد خودش را مسترد داشت بعد از استرداد ایشان بنده قبول کردم پیشنهاد ایشان را موقع گذشته بود بنا شد که در همین مجلس پیشنهاد شود، راجع بمتخصصین بعد از يك زحمانی يك متخصصینی میآورند و قوانینی وضع میکنند و کتورات میبندند یکی از مواد این کتورات در آن چند ماده که در قانون نوشته شده این است که هر وقت دولت بخواید آنها را کتوراتشان را لغو بکند القا بکند این مسئله که بنظر دولت ارجاع شده است البته تصدیق میفرمایند آقایان که این يك حقی است مال خود مجلس چنانکه مجلس قانون کتورات آنها را تصویب میکنند این حق را هم مجلس دارد که هر وقت بخواید آنها را الفاء بکنند، این حق را

که داده است بدولت که دولت هر وقت بخواید این کار را بکنند علاوه بر اینکه در مواقعی که اگر بخواید الفاء بکنند کتورات را تولید سوء تفاهمی میکند نمایندگان حقیقتاً هم مطلع نمیشوند از اینکه چرا این کتورات الفاء شده اینجا بهتر اینست (و مناسبتر به حال وزراء هم همین است که دورتر از سوء تفاهات و سوء ظن باشد) که اگر يك وجوبانی موجب شد که از طرف دولت این کتوراتها الفاء شود آن دلالتشان را بمجلس بگویند و مجلس هم البته وقتی دلایل را بدید موافقت میکند و آنوقت با جلب موافقت مجلس آن کتوراتها الفاء بکنند ازین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و بنده بنظر آقایانست

شیروان مخبر - بنده در ضمن جواب توضیحات نماینده محترم میخواستیم يك کلی را هم عرض کرده باشم: بنده تصدیق میکنم که يك مسائلی و يك وضعیتی ایجاد کرده است که يك چنین پیشنهاد هائی که خلاصه مبتنی بر سوء ظن بوضعیات است پیشنهاد بشود و الا يك نفر عنصر علاقمندی مثل آقای بهمان که همه چیز بشؤون این مملکت و شئون ملی ما علاقمند هستند اینرا البته از روی سوء نیت پیشنهاد نمیکنند از روی حسن نیت پیشنهاد کرده اند. ما يك قدری در امور کج میرویم اشتباه میکنیم بعد در سر يك مقامات معینی که میرویم گیر میکنیم نمیدانیم چه بکنیم، بل ما بالاخره میخواهیم يك متخصصی را که از خارج برای مملکتان میاوریم ازو استفاده کنیم نمیخواهیم يك مستخدم خارجی که هشت برابر، ده برابر يك نفر مستخدم داخلی از ما پول بگیرد همان استفاده را که از یک نفر داخلی میکنیم از او هم بکنیم، خیر این يك اصل مسلمست که ما باید از مستخدمین خارجی آن استفاده ای را که در نظر داریم بکنیم موافقی هم نباید در مقابل استفاده ما موجود باشد. این البته صحیح است اما آیا ما بیائیم و برای رفع يك عیبي يك عیب دیگر روی عیبها بگذاریم این صلاح هست یا نیست؟ این

قابل فکراست، ما بیائیم و بفرمائید آقای آقا سید یعقوب  
 يك ديكترار بك آقا بالاسر برای خودمان درست كنيم  
 كه يك وقتي خودمان هم تويش درمانيم كه اين را چكنيم  
 اين است آن كلي را كه ميخواستم عرض كنم؛ بهتر  
 اينست كه يك طريقي پيدا كنيم كه ملت و مملكت  
 خودش آقا باشد آقائي را ما خودمان داشته باشيم در  
 مواقع مقتضي هم استعمال كنيم قدرت خودمان را و نگذاريم  
 از يك قانوني، از يك مستخدمی، از يك وضعیتی،  
 سوء استفاده بشود اگر ملت و نماینده های ملت آقائي  
 خودشان را احراز كردند آن وقت تصديق بفرمائيد كه يك  
 چنين موادی يا پيشنهاد هائي برای شئون ملی مامض  
 است روی هم رفته ما برای جلوگيري از اين مصائب اساسی  
 بايد بنشينيم يك فکر های ديگري بكنيم و الا فرضاً يك  
 همچو ماده قانونی را گذرانديم تصور نميكنم در موقع عمل  
 آن اندازه ها از داشته باشد و قابل استفاده باشد بلکه  
 ناچاريم از اينكه يك فكرهای اساسی نمی کرده باشيم ما از يك  
 طرف يك حقوق اساسی ملی را بموجب يك قوانيني  
 از مجلس شورای ملی در موقع بروز يك اختلافات  
 و يك احساساتی سلب می كنيم از يك طرف  
 هم ميخواهيم با اين وسيله يك اختيارات جدیدی  
 برای مجلس درست كنيم، ما آن اختيارات مركزيت را  
 الان با يك مواد قانونی از مجلس شورای ملی سلب  
 کرده ايم...

آقا سید یعقوب - کی سلب کردیم؟

شیروانی - و فکر این نیستیم که این را رفع كنيم  
 حالا اگر بخواهيم با يك همچو قانونی بالاخره وزير را  
 مكلف كنيم که در موقعی که ميخواهد كترتها را  
 لغو بکند بيايد يك توضیحاتی بدهد البته در آنروز اگر  
 وضعیت باين ترتيب باشد و در باين پائينه بگردد يك  
 توضیحاتی برای ما میآورند و ما هم رأی ميدهيم پس  
 اين پيشنهاد را خوبست آقا مسترد بفرمائيد زیرا رد شدنش  
 هم صلاح نيست.

كنيم. آقای روحی هم موافقت بکنند که اين جزء دستور  
 بشود بلکه شور اولش تمام بشود و بكميسيون برود  
 رئيس - آقای روحی

روحی - عرض كنم كه لايحه خالصجات انتقالی شايد  
 چند جلسه وقت مجلس را در همين شور اول بگيرد  
 ولی اين لايحه اصلاح قانون مستخدمين مجلس يك ماده  
 بيشتريست و يك تبصره و شايد نيم ساعت، بيست دقيقه ياده  
 دقيقه وقت بيشتري تلف نكنند بعلاوه در صورت محاسباتی كه بين  
 مجلس و وزارت ماليه است اشكالاتی پيدا شده من از آقايان  
 خواهش ميكنم موافقت بكنند اين لايحه در قسمت اول  
 مطرح شود. بعد در قسمت خالصجات انتقالی منهم با  
 آقايان موافقم.

(در اينموقع عده برای رأي كافي نبود)

رئيس - آقای آقا سید يعقوب

آقا سید يعقوب - بنده برای خاطر اينكه، مقام  
 رياست هم معطل نشود تقاضا ميكنم چند دقيقه تنفس شود.

رئيس - مخالفی دارد؟

بعضی از نمايندگان - خير

رئيس - چند دقيقه تنفس داده ميشود

(در اينموقع جلسه برای تنفس تعطيل و پس از  
 نيمساعت مجدداً تشكيل گرديد)

رئيس - رأی گرفته ميشود به پيشنهاد آقای ملك  
 مدنی آقايان بكنند تصويب ميكنند قيام فرمائيد.  
 (اكثر نمايندگان برخاستند)

رئيس - تصويب شد. ماده دوم قرائت ميشود

(بشرح آن قرائت شد)

ماده دوم - براي رفع اختلاف در موارد منازع  
 قبه وزارت ماليه صورت كلي خالصجات انتقالی را  
 مطابق اصول مذكوره در ماده فوق تشخيص داده و در  
 طهران و مراکز ساير ادارات ماليه منتشر خواهد كرد

هرگاه کسی اعتراض برصورت مذكوره داشته باشد اختلاف  
 بترتيب ذيل بحكمت مرفوع ميشود وزارت ماليه و  
 معترض هر کدام بكنفر حكم معين مينمايند بعلاوه بكنفر  
 از اعضاء شعبه اولی ديوان عالی نيز كه شعبه مزبوره با كثريت و  
 برای مخفي معين مينمايد سر حكم خواهد بود و تصميم هيئت  
 حكمت با كثريت برای طرفين قاطع است در صورتيكه  
 معترض از تاريخ اخطار بمشار اليه نادمه حكم خود را  
 تعيين و معرفی نمود حق اعتراض ساقط خواهد بود  
 تبصره - اشخاصيكه در ولايات مقيم هستند ميتوانند  
 اعتراضات خود را كتباً بوزارت ماليه ارسال دارند و يا به  
 رئيس ماليه ولايتی كه ملك در آنجا واقع است تسليم  
 نمايند در صورت اخير مأمور مزبور مكلف است بدهنده  
 اعتراض رسيد كتبی داده واصل مراسله اعتراضيه را فوراً  
 بوزارت ماليه ارسال دارد

رئيس - آقای عباس ميرزا

عباس ميرزا - عرضی ندارم

رئيس - آقای دهستان

دهستانی - عرضی ندارم

رئيس - مخالفی نيست؟

كازرونی - والله مخالفيم مطالعه نکرده ايم ميترسيم  
 برت و بلا بگوئيم

رئيس - آقای بدر

بدر - اينرا چون معلوم نبود كه امروز در دستور خواهد  
 بود بنده مطالعه نكردم

رئيس - آقای طاهری

طاهری - مخالفت بنده با اينماده از نقطه نظر اينست كه كاملاً  
 نامعين نشده موارد اختلاف. اين ماده برای اين است كه  
 اختلافاتی مابين متصرفين و ماليه در يك موقعی پيش  
 بيايد كه متصرف مدعی خالصه انتقالی بودن ملك بشود  
 و ماليه مدعی باشد كه خالصه دولتی است اين بطور رفع  
 اختلاف بشود و اگر متصرف مدعی باشد كه اين اراضي



است و دولت بگوید خالصه انتقالی است بر طبق این ماده نمیتواند احقاق حق بکند. چرا؟ برای این که خالصه انتقالی را معین کردیم که آنست که سی سال در تصرف متصرف باشد. یکنفر اگر يك ملكى را متصرف باشد و مدعى باشد که این ملك اربابى است حکمیت رجوع میشود دولت میگوید خالصه انتقالی است او میگوید اصلا خالصه نیست اربابى است بحکمیت رجوع می شود پس از اینکه متصرف ثابت کرد که سی سال در تصرف من است پس از آن نازه مطابق میشود با آن تعریفی که برای خالصه انتقالی کردیم باز ممیزی نمیشود که این ملك اربابى است یا خالصه انتقالی. وقتی متصرف ثابت کرد که سی سال این ملك در تصرف من است آن وقت آیا ثابت میشود که خالصه انتقالی است یا اربابى؟

کازرونى -- اربابى .  
 طاهري - خير ، براي اينکه خالصه انتقالی آن بود که سی سال در تصرف متصرف بود . پيش از اينکه دلایلی برایش ثابت نکرده بودید ، پس با تمام املاکی که جمع زیاد است دولت مدعى میشود که خالصه انتقالی است نازه وقتی متصرف هم میآید ثابت میکنند که سی سال در تصرف من است دولت میگوید خالصه انتقالی است حالا بيا اضافه جمعش را فلانقدر بده و من مخصوصاً با آقای وزير ماليه صحبت کردم گفتند ما این را برای این منظور ننوشته ایم و این اختلاف را ما اصلاً نظر نداشتیم این قسمت برای این نوشته شده است و بنیانش بر این است که اگر اختلاف شد که آیا این خالصه انتقالی است یا خالصه دولتی این طور معلوم میشود که اگر معین شد که سی سال در تصرف متصرف است خالصه انتقالی محسوب میشود ولی اگر چنانچه اختلافی شد بین ملك اربابى و خالصه انتقالی نمیشود بر طبق این ماده حکمیت کرد .

فهیمی - مخبر کمیسیون قوانین مالیه اینجا بنده تصور میکنم آقای طاهري يك اشتباهی فرمودند زیرا بطوریکه

در ماده اول مذاکره شد بالاخره يك املاکی تشخیص داده خواهد شد که خالصه انتقالی است منتهی در شرایطی که در ماده اول ذکر شده بود اختلاف نظری هست ما بین آقایان در لایحه تذکر داده شد که املاکی که سی سال اعم از تعرض یا بلا تعرض در تصرف اشخاصی بوده است آنها را خالصه انتقالی بشناسیم یعنی املاکی که قبلاً ملك متصرفی دولت بوده است و بعد با اشخاصی منتقل شده خالصه انتقالی بشناسیم .

آقایان شرایط دیگری برای اینکار قید کردند در هر حال بلا شرط نمیشود گفت يك املاکی خالصه انتقالی یا غیر انتقالی شناخته شود . املاکی دولت داشته بالاخره بدست اشخاص دیگر هم منتقل شده است امروز ما بلا شرط نباید بگوئیم که کلیه این املاک را خالصه انتقالی بشناسیم ! ممکن است بنده بروم امشب يك ملكی را تصرف کنم ضبط کنم بگیرم فردا صبح بگویم که این ملك متصرفی من است . . . .

شیروانی - عکسش هم ممکن است .  
 مخبر - پس بالاخره قانون باید يك شرایطی اینجا ذکر کند وقتی مطابق آن شرط خالصه انتقالی معین شد آن وقت ماده دوم دیگر این اشکال را ندارد که میفرمایند زیرا که مینویسد : برای رفع اختلاف در موارد متنازع فیه وزارت مالیه کلیه خالصجات انتقالی را مطابق اصول مذکوره در ماده فوق تشخیص داده و در طهران و مراکز سایر ادارات مالیه منتشر خواهد کرد وقتی که وزارت مالیه یا دولت يك ملكی را مطابق آن اصول خالصه انتقالی تشخیص داد آنوقت مالك راجع به خالصه انتقالی بودنش ابراد ندارد ابرادش در این است که اصلاً این ملك خالصه انتقالی نیست و ملك اربابى است و مال من است دولت آنرا خالصه انتقالی تشخیص داده است مالك میگوید خير اربابى است ملك من است و ابتدا خالصه نیست البته قضیه را باید

بحکمیت رجوع بکنند برای اینکه معلوم شود که واقعا خالصه انتقالی است یا اینکه ملك اربابى است . و برای خالصه انتقالی بودن نه این است که فقط سی سال در تصرف او باشد باید دولت هم ثابت کند که قبلاً این ملك در تصرف دولت بوده است دولت در اینجا معامله ملكی و اربابى کرده است و بعد منتقل کرده است بيك کسی دیگر یا ممکن است اشخاصی پیدا شوند بگویند ملك ما که امروز بعنوان خالصه انتقالی در دست اشخاص است هیچوقت در دست دولت نبوده است چنانکه امروز هم ازین قبیل املاک هست که اشخاصی به يك عناوینی در موقع استیلاى خودشان تصرف کرده اند و بعد هم بعنوان خالصه انتقالی فرمانی صادر کرده اند امروز دولت نمى تواند تصرف خودش را در آن ملك ثابت کند زیرا از دست آن مالك اوليه منتقل شده است بدست کسیکه حالا متصرف است این ها حرفهایشان حساسی است و ممکن هم هست ابراد بکنند . پس شرط خالصه انتقالی بودن آنچه در ماده اول ذکر شد اول تصرف دولت است و بعد انتقال با اشخاص دیگر با يك شرایطی و آنوقت همین گفتگوها ممکن است تولید يك اختلافی بکنند که باید به حکمیت تمام شود . مورد حکمیت سه قسم ممکن است پیدا بشود یکی اینکه اصلاً اشخاصی بگویند این ملك اربابى بوده است یکی این که دولت تعرض داشته باشد که اینجا را خالصه انتقالی بشناسیم آنها بیایند بخالصه دولتی بودن حرف زنند و بخواهند انتقالی بودن آنرا ثابت کنند اینها اختلافاتی است که ممکن است پیدا شود و قسم دیگری غیر از حکمیت نمیشود رجوع کرد اگر آقایان يك ابرادى بنظرشان میرسد که برای رسیدن باین مقصود این عبارت کافی نیست ممکن است پیشنهاد بفرمایند که در ضمن ماده قید شود ولی در هر حال کار بحکمیت باید ختم شود

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 رئیس - آقای افسر

افسر - عرض کنم بنده آنوقت مخالف بودم حالاً هم مخالف هستم تشخیص خالصه انتقالی هم مثل اصل تشخیص خالصه بودن و مثل سایر دعاری دولت برافراشته است . هیچ فرقی نمیکند و نباید فقط اختصاص داد باینجا . در این جا باید فقط تکلیف مالیات و قیمت خرید خالصه انتقالی را یعنی پنج برابر بودن و غیره را معین کرد

لهذا بنده با این ماده و همه ماده ها مخالف هستم و اسباب معطلی میشود و آن نتیجه مطلوبه که ما در نظر داریم یعنی اینکه تکلیف مردم اسبت به مالیاتهای خالصه و آباد شدن آنها از دست خواهد رفت و يك اختلافات دیگری راجع به سی سال مدت و غیره تولید خواهد کرد و البته قانون مرور زمان هم اگر آمد نسبت بدولت و غیر دولت و همه مساوی است و تکلیف همه معلوم می شود . پس بعقیده بنده بهتر است که این سه چهار ماده را يك ماده کنیم و همه زیاد است و همینطور هم پیشنهاد کردم که از اولی که شروع می شود ماده راجع بامور مالیاتیش مطرح شود و همه اینها زیادی است .

رئیس - آقای بامداد  
 بامداد -- بعقیده بنده با این ماده باید مخالفت کرد ولی نه برای اینکه این ماده اشکال تراشی کرده بلکه برای اینکه خیلی تهیل کرده و اسباب خسارت دولت می شود ( بنده این عقیده ام است ) عرض کنم که باید يك قدری ملاحظه کرد که این املاک چه بوده تاریخیچه اش چیست آیا اینها حقیقه يك املاک بار مخروبه ای بوده و يك عده ای تفصلاً آمده اند پول خرج کرده اند ریاضت کشیده اند آباد کرده اند و حالا میخواهند از دستشان بگیرند ؟ اینطور بوده ؟ قنات کنده اند ؟ رعیت آورده اند ؟ رود خانه آورده اند نهر کنده اند ؟ ...

بعضی از نمایندگان - ( بطور همه ) . بله بله .  
 صدای زنك رئیس - دعوت بسکوت  
 بامداد - اجازه بفرمائید . اگر اینطور بوده است

البته این ظلم است و تمام این مواد زیاد است و باید بکمرتبه تصدیق کنیم که دولت حق ندارد ولی وقتیکه نگاه میکنیم میبینیم این بهترین املاک این مملکت بوده و به گرافترین قیمت برای دولت تمام شده. فلان باغی ده سال اسباب زحمت این مملکت شده، چایبده، آن حوزه و اطراف خودش را چایبده، بعد دولت با یک خساراتی با یک خرجهایی بر او غلبه کرده است او را سرکوبی کرده است چه چیز باو رسیده؟ چهار تا ملک. این خالصه انتقالی را شما نگاه بکنید همه اش اینطور است بعد یک عده آمده اند گفته اند آقا این اسباب زحمت برای شما است، خوب اداره نمی کنید بیایید ما قبول می کنیم با همان عایدی بشرط این که همان عایدی را بدهیم. آباد هم بکنیم. و این انتقال در این دو شرط واقع شده است که هم مالیات را بدهند هم آباد کنند و هیچکدام را هم نکرده اند تخفیف گرفته اند پیشکش داده اند و بکلی ملک را بیشتر از میزان معمولی مالیات تخفیف داده اند هیچ آباد هم نکرده اند از همان وقتی که به دستشان رسیده است خرابتر است حالادولت میگوید آقا من املاکم را بشما میدهم در مقابل این شرایط خیلی مختصر بهتر از این چیست که مخالفت میکنند آقا بان؟ چرا؟ اینکه بهتر از این است که بعدلیه برود آقا! اگر دولت بگوید هر جائی را که شما لکقتید ملک من است من حرفی نمی زنم و هر جائی را هم که گفتید مالیاتش اینطور نیست حرفی نمی زنم پس معنایش این است که این لایحه هیچ ابداً بدرد نمی خورد و دولت بکلی از یک قسمت املاکش و عوایدش صرف نظر بکند برای اینکه چند نفر دلشان میخواهد این املاک را ببرند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - اولاً باید فهمید که این عملی را که مجلس در چند دوره مذاکره میکنند (برای اینکه آنقدری که بنده یادم است شاید از دوره چهارم مذاکره این موضوع بوده است) و همینطور دولتها همیشه یک مذاکره در اطراف آن داشته اند این برای چیست؟ این را باید قبلاً فهمید بعد داخل حل قضیه شد بعقیده بنده دولت و مجلس دو نظر اساسی داشتند، یکی آسایش مردم از این اختلاف املاک و اختلاف اراضی و اختلاف مالکیت و یکی آسایش دولت از اختلاف مالیات و اختلاف دفاتر متعدد و خرج زایشی و اداره سازی این دو نظر بوده، میخواستیم ما مالکیت در این مملکت متحدالشکل بشود، مالیات دادن هم متحدالشکل بشود که از یکطرف مردم آسوده باشند و از یکطرف دولت وضع مالیات گرفتنش با این طرز عجیب و غریب نباشد. وقتی که این را در نظر گرفتیم (حقاً یکوقتی معتقد شدم خالصجات فعلی دولت هم باید ب مردم داده شود بهر نحوی که ممکن است) این اختلاف زنجیری که در این مملکت هست راجع بزراعت و مالکیت از بین میرود چه رسد به خالصجات انتقالی که چندین سال است اصلاً مرور زمان مردم را مالک کرده است خالصجات انتقالی سه قسم بوده است یکی خالصجاتی بوده است که در مقابل یک خصوصیتها و پیشکشیها با اشخاص بخشیده شده است

کازرونی - قوم و خویشی هم بوده است

شیروانی - قوم و خویشی یا هر چه. پولی هم داده نمیشده. غالباً هم از مالیاتش در آن موقع کم میکردند و نمیکرفته اند. یکی هم خالصجات دیگری است که آنها را در مقابل جزو جمع یعنی در مقابل عایدی آن موقع دولت بیک اشخاصی بر گذار میکردند. دولت فرض میکردند فرضاً صدی شصت از محصول این ملک عایدی دارد آن صدی شصت را از آن کسی که خالصه انتقالی را باو منتقل میکردند میگرفته میگرفته است تو باید بدهی بعضی ها هم

لوکر دولت بوده اند و سایل داشته اند آن صدی شصت را هم در مقابلش یک مواجی برای خودشان درست میکرده اند و آن مالیات بان بزرگی را هیچ نمیداده اند آنوقت اگر یک عایدی از آنها پیدا میکرده اند با یک پولی خودشان داشته اند میرفته اند آنجا را آباد میکرده اند و کم کم ملک اشخاص میشده است. بک قسمتی هم از این املاک که دولت برای خودش خالصه انتقالی فرض کرده است و نوی این لایحه هم راه برایش گذاشته است که ممکن است پدر مردم در آید خالصجاتی است که اشخاص آنها را خالصه کرده اند. چطور؟ فلان شخص در اصفهان فکر میکرده که یک ده خیلی خوبی در آنجا هست و قابل استفاده بزرگ است ممکن است بیک وسیله آن را ضبط کند و نوی رقبه کهنه های شصت سال پیش هم یک تکه کاغذ راجع بانجا پیدا کرده است با اصلاً پیدا نکرده بدون کاغذ (بنده موردی را اطلاع دارم که هیچوقت هم اسم خالصگی اصلاً رویش نبوده است) میآمده است بطهران و چنددی میباندند و نشیانی میکرده و سایل بر می انگیخته و میرفته یک فرمان خالصگی برای آنجا صادر میکرده میگذاشته است جیبش و میرفته است اصفهان و برعینتهایش اخطار میکرده که اینجا ملک من است بیایید اینجا اجاره نامه اش را رد و بدل کنید غالب این املاک هم مال خرده مالکین بوده است فریاد مردم بلند می شده است که این ملک چندین صد سال است در تصرف ما بوده است ملک ما است و نوی قباله زنهای ما است بالاخره پیش نمیرفته است یک اشخاصی سمج بوده اند می آمده اند در مرکز اتفاق افتاده که با صد نفر رعیت بکمرتبه حرکت میکرده اند از یک شهر دوری که صورت خالصگی به ملکشان داده بودند می آمدند مرکز داد و فریاد و فغان و بالاخره یک چیزی به بارو میدادند فرمائش میباند. یک قسمت زیادی از این رقبات و اسناد و دفاتری که در وزارت مالیه است همین طور باقی مانده است و متأسفانه آن آتشی که گرفته

شد این قسمت را آتش نزد.

کازرونی - کاش آتش میگرفت

شیروانی - تقریباً دو نلک از خالصجات انتقالی را که بعقیده دولت خالصه انتقالی است میشود جزو این قسمت سوم قرار داد. حالا دولت آمده است در یک ماده راه باز گذاشته است از اینکه خودش هر جا را خالصه انتقالی بداند یا فرض کند و بنده هم که الان در تصرف و بنفع من است خالصه انتقالی فرض کنم که خیلی خوب دعوی بنده و دولت از بین میرود. اما اگر اینجا بضرر من شد دولت میگوید خالصه انتقالی است هر چه داد میزنم که این ملک من است این سند و این رقبه که شما می بینید این صورت را نوشته است میگویند نمیشود برو به حکمیت پس بعقیده بنده باید اصل را مالکیت اشخاص قرارداد بعد دولت هر جا را دعوی خالصه انتقالی بودن دارد اسنادش را بیاورد در یک محکمه ثابت کند.

بعضی از نمایندگان - برود عدلیه

شیروانی - این است و الا مالکیت در این مملکت متزلزل میشود دیگر هیچکس دارای هیچ چیز نخواهد بود. این قسم اولش است. و اما برای محاکمه و رسیدگی بنده با تجربه ای که شخص خودم راجع بحکمیت دارم حکمیت هائی که امروز در وزارت مالیه معمول است طرزش این است بمثل اعلان مناقصه و مزایده شایع است که آن آخرش مینویسد که دولت در رد و قبول پیشنهادات آزاد است حکمیت هم در وزارت مالیه این ماده درش محرز است که دولت در رد و قبول آن آزاد است و حق در بهم زدنتش. چطور؟ مثلاً یک بد بختی با دولت اختلاف حسابی دارد دو سال سه سال چهار سال میرود بنده و آقا و دیگری را واسطه قرار میدهد بالاخره راضی میشود که بحکمیت رجوع بشود و چون میداند اسنادش متنقن و قوی است روی میز که گذاشت حکم نمیتواند رد کند. وزارت مالیه هم قبول میکنند

بکنفر حکم اینطرف و يك نفر هم آن طرف يك سرحکم هم معین میشود شروع میکنند برسیدگی دو سه جلسه که رسیدگی شد نماینده دولت میزود در نزد مقامات عالی نزی اطلاع میدهد که ما محکوم خواهیم شد حالا تکلیف من که حکم شما هست چیست میگویند زو استعفا بده . دو سال مرد که دنبال حکمیت دویده سه جلسه تشکیل شده آن موقعیکه باید استفاده بشود و حکم رای بدهد نتیجه گرفته شود نماینده دولت استعفا می کند با سر حکم میزود سؤال میکند نماینده منم که حق ندارد طرفیت کند باید رسیدگی کند مینشینند آنها و بهم میخورند دو مرتبه تجدید میشود باز میافندوی ادارات و رجوع بحکمیت میشود دو مرتبه حکم تشکیل میشود در وسط کار دولت که دید به نفع خودش نیست باز بهم میزند بنده چندین فقره به خصوصش را مبتلا بوده ام چه خودم حکم بوده ام و چه واسطه بوده ام که يك کاری به حکمیت بگذرد و بالاخره نگذشته است هنوز هم که بنده این جا ایستاده ام عرض می کنم کار مردم به حکمیت نخواهد گذشت . . . .

کازرون - نخواهد هم گذشت .

شیروانی - ما بالاخره با این همه داد و فریاد و فغان عدلیه درست میکنیم و میخواهیم عدلیه که مرکز امور قضائی این مملکت باشد داشته باشیم آنوقت دولت با این عدلیه کابینه و لاسیون داشته باشد؟ این که نمیشود ما میخواهیم کابینه و لاسیون را با دنیا لغو کنیم خود دولت که نباید کابینه و لاسیون داشته باشد صالح زمین مقامات برای رسیدگی به هر دعوی عدلیه است ، حکمیت یعنی چه ؟ این بیج و خم ها و این در و آن در ها و این طرز تشخیص ها اینها تمام برای این است که بالاخره تمام املاک این مملکت خالصه انتقالی شناخته شود . آن وقت مرجع رسیدگی هم يك همچو حکمیت هائی باشد این چیز غریبی است !! می آئیم دماغش را باک کنیم چشمش را هم کور کرده ایم ، بالاخره ما قانون می گذرانیم برای رفع اختلافات و آسوده کی مردم ولی با این دو

حکمت کاملاً مضر است و به نفع دولت است و بنده هم طرفدار طرزی هستم که آقای شیروالی اظهار داشتند که همان طور که دعوی بین افراد متساوی است بین افراد و دولت هم بتساوی باشد که اقلاً آن بدیخت ها هم يك غایت امید بخشی را امیدوار باشند بنده خواستم از موقع استفاده کنم و این را عرض کنم که کمیسیون وقتی مطالعه میکند در قضیه در محظور نباشد و دیگر عرضی ندارم .

نخبر - اجازه میفرمائید ؟

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

نخبر - عرض میشود هر قدر در اجرای این نیت و این فکر تسهیل شود البته اسباب راحتی مردم است و بنده بیش از همه خوشوقت میشوم . خوشبختانه بنده مبتکر این فکر بوده ام از پنجسال قبل تا بحال که خالصجات انتقالی به صورت املاک اربانی درآید و خیلی خوشوقت هستم که يك روز مجلس شورای ملی رأی بدهد که خالصجات انتقالی از این تاریخ متعلق بمتصرفین است بدون هیچ شرط و قیدی . اما متأسفانه موضوع يك موضوعی است که نظریات شخصی یعنی نظریات وزارتخانه و نظریات شخصی نمیتواند این کار را بکند و باید فقط مجلس شورای ملی این کار را بکند . امیریکه در غالب موارد اسباب تأسف است این است که ما همه قضا یا را با يك نظر سوء ظن و بدبینی تلقی میکنیم و تا وقتیکه مسئله سوء ظن در جامعه ما حکمفرما است هیچ فکری پیشرفت ندارد . میفرمایند به حکمیت رجوع نشود برای اینکه آن کسیکه درد دیوان عالی نیز به رای مخفی انتخاب میشود ممکن است طرفدار دولت باشد . دیوان عالی نیز يك مقام مافوق تمام قوای قضائیه است پس محکمه ابتدائی عدلیه هم به طریق اولی طرف سوء ظن خواهد بود . مرا کر دیگر هم همین طور . پس راه حل چیست ؟ اگر شعبه اولی دیوان عالی نیز يك نفری را

به رأی مخفی انتخاب کنند باو اعتماد نداشته باشیم بحکمه ابتدائی هم اطمینان نداریم . بحکمه دیگر هم همین طور پس اینکه نمیشود ما تا وقتیکه قوه قضائی در مملکت داریم همه باو اعتماد داریم . بعلاوه آقای شیروالی که می فرمودند باید طرف را مالک قرار داد و دولت برود بر علیه او اقدام کند در این لایحه این دو مسئله پیش بینی شده است : که اگر دولت با مالک ابراد داشته باشد که این املاک خالصه دولتی است ، یا اشخاصی ابراد داشته باشند که این ها خالصه انتقالی نیست و ملک اربانی است هر دو این ها ممکن است مورد تعرض باشند و هر دو هم علی السویه است و حکم حکمها هم برای طرفین قاطع است . حکم ها را هم بکنفر دولت و يك نفر طرف و بکنفر هم دیوان عالی نیز معین میکنند بالاخره دولت هم مثل يك نفر آدم عادی باید محسوب شود . راجع به اعمال نفوذ هم که میفرمائید با هر طریقی که ما در نظر بگیریم ممکن است اعمال نفوذ بشود . چه تفاوت میکنند دولت معین کند ، یا طرف معین کند ، یا دیوان عالی نیز معین کند در هر حال ممکن است اعمال نفوذ بشود . پس راهی که هیچ احتمال سوء ظن و احتمال اعمال نفوذ زود بنظر بنده نمیرسد اگر آقایان راهی بنظرشان می رسد بفرمایند از اینها گذشته چون ما مقصودمان تسهیل امر است تصدیق بفرمائید بوسیله حکمیت بهتر تسهیل میشود تا رجوع شود به عدلیه و مراحلی را طی کند . این طریق چندین مقابل حکمیت طول دارد . اگر میخواهیم تسهیل کنیم راهش همان حکمیت است . برای تعیین حکم هم بین وزارت مالیه و متصرفین تفاوتی قرار داده نشده هر کدام آنها در مدت معینه حکم خودشان را معین نکردند معترض با وزارت مالیه حقشان ساقط است پس تساوی بین دولت و معترض کاملاً رعایت شده است و برای تسهیل هم کمیسیون حکمیت را ترجیح داده است تا اینکه رجوع شود به عدلیه . حالا اگر آقایان نظریات بهتر و سهل نزی

دارند ممکن است پیشنهاد کنند کمیسیون هم می پذیرد  
رئیس - رای گرفته میشود به کفایت مذاکرات ...  
بعضی از نمایندگان - کسی مخالف نیست  
رئیس - آقای دادگر نسبت به کفایت مذاکرات  
فرمایشی فرمودند آقای مخبر هم تأیید کردند . باید رای  
گرفته شود آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام  
فرمایند .

( اغلب برخاستند )

رئیس - اکثریت است پیشنهاد ها قرائت میشود  
( شرح ذیل خوانده شد )  
پیشنهاد آقای ثابت

ماده دوم را به ترتیب ذیل پیشنهاد می‌نمایم :  
ماده ۲ برای رفع اختلافات در موارد متنازع فیہ  
وزارت مالیه مکلف است صورت کلیه خالصجات را در  
مرکز و ایالات و ولایات و قراء و قصبات کتباً منتشر  
نماید هرگاه کسی اعتراضی بر صورت منتشره داشته باشد  
رفع آن باید در محاکم عدلیه بشود لاغیر و حکم صادره  
از محاکم عدلیه قاطع است و در صورتی که معترض  
از تاریخ اخطار و اطلاع نا ششاه برای رفع اختلاف خود  
یا وکیل ثابت الوکاله خود حاضر نشد حق هیچ نوع  
اعتراضی نخواهد داشت .

تبصره - معترضین در ایالات و ولایات و قراء و  
قصبات باید اعتراض خود را کتباً به وزارت مالیه و یا  
رئیس مالیه ولایتی و ایالتی که ملک در آنجا واقع هست  
تسلیم نموده با تاریخ و نمره دریافت دارند و مأمور مزبور  
هم مکلف است عین مراسله اعتراضیه را فوراً به وزارت  
مالیه ارسال دارد .

پیشنهاد دیگر آقای ثابت

نظر باینکه دفتر رقبات قانوناً نمیتواند مدرک خالصه  
بودن املاک باشد زیرا که معلوم نیست این دفتر در زمان  
سلطین قاجار به از روی چه مدرک اصلی تنظیم شده

و وزارت مالیه قانوناً نمیتواند املاک مردم را بوسیله  
دفتر رقبات خالصه قرار دهد و بفروشد بنده ماده دوم را  
بترتیب ذیل پیشنهاد می‌نمایم :

ماده دوم - در صورتی که بین اهالی و وزارت مالیه  
در اصل خالصه بودن تنازع باشد متعرض یا وکیل  
ثابت الوکاله معترض با نماینده وزارت مالیه بمثل سایر  
دعاوی و افراد در عدلیه که بموجب قانون اساسی مرجع  
تظلمات است حضور بهرسانیده و حکم صادر از محاکم  
عدلیه قاطع خواهد بود . معترض از تاریخ اطلاع نا ششاه  
اعتراض خود را کتباً بوزارت مالیه یا بر رئیس مالیه  
ولایات و ایالات که ملک در آنجا واقع است داده و  
رسید کتبی بگیرد و مأمور مزبور هم مکلف است فوراً  
عین مراسله اعتراضیه را بوزارت مالیه ارسال دارد و  
اگر معترض در مدت مزبوره ( ۶ ماه ) اعتراض خود را  
تقدیم نکرد و ششاه تمام شد پس از آن حق هیچ نوع اعتراض  
را نخواهد داشت

پیشنهاد آقای عباسمیرزا

تبصره ذیل را بماده ۳ پیشنهاد می‌نمایم .  
املاک خالصه انتقالی که از مالیات آن مالک شاکو  
پس از ممیزی تعیین مالیات میشود بمدت پنجسال بقوت  
خود باقی و هر پنجسال تجدید نظر ممکن است  
عباسمیرزا - این راجع بماده سوم است  
پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد می‌کنم ماده دوم بطریق ذیل نوشته شود :  
هرگاه میان دولت و مالک در موضوع خالصه انتقالی  
اختلاف شد در اصل خالصه بودن یا در انتقال هر يك  
يك نفر حکم معین نموده و يك نفر هم به قرعه از شعبه  
اولی نمیز معین خواهد شد . و به اکثریت رفع اختلاف  
خواهند نمود .

تبصره - اختلاف بین شخص ثالث و متصرف بر طبق  
قوانین مملکتی به عدلیه رجوع خواهد شد .

پیشنهاد آقای دادگر

بنده پیشنهاد می‌کنم که حکم ثالث به راضی طرفین  
در ماده دوم تعیین شود .

پیشنهاد آقای دکتر ظاهری

پیشنهاد می‌کنم ماده دوم به ترتیب ذیل نوشته شود :  
در صورت بروز اختلاف بین متصرف و دولت در  
اینکه ملکی اربابو یا خالصه انتقالی یا خالصه دولتی  
است اختلاف مزبور به محاکم صالحه مراجعه میشود  
پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد می‌کنم تبصره ذیل به ماده دوم اضافه شود

تبصره - ثبت در رقبات مدارک کافی برای دولت نخواهد  
بود و فقط به استناد آن تعرض و دعوی به املاک  
متصرفین نمیتوان نمود .

پیشنهاد آقای عباسمیرزا

تبصره به ماده ۲ پیشنهاد می‌نمایم : در صورتیکه از  
حکمیت يك طرف ناراضی باشد بعدلیه میتواند رجوع نمایند  
بعضی از نمایندگان - ختم جلسه .

رئیس - جلسه ختم میشود . جلسه آئینه روز سه شنبه

( مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )